

شَدّ و مجلس شَدّ^۱

امین مهربانی^۲

پژوهشگر گروه تاریخ اجتماعی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی

چکیده

«شَدّ» میان‌بندی نمادین بوده که هنگام تشرّف و پیوستن به سلک جماعات اهل فتوت، اصناف و برخی طریقت‌های صوفیه، در مراسمی آیینی و در مجلسی با حضور اعضای پیشین، به کمر فرد تازه‌وارد و مبتدی بسته می‌شده است؛ با برگزاری آیین شَدّ، شخص به عضویت دائمی یا آزمایشی جماعات یادشده درمی‌آید. این آیین که دست کم تا سده هفتم هجری پیشینه دارد، تا دوره حاضر – برای نمونه نزد برخی سلسله‌های متصوفه – ادامه یافته است. شَدّ، افزون بر این‌که نشانی از تأیید عضویت جماعات یادشده بوده، کارکردهای دیگری نیز داشته است؛ چنان‌که نزد پیشه‌وران و اهل بازار، شَدّ عضو، به نوعی پروانه کسب او شمرده می‌شده، و در بین برخی متصوفه کارکردهایی شبیه آیین «اُبس خرقه» داشته است. کارکردها، تاریخچه، جنس و شکل و ویژگی‌های ظاهری، شرایط مشدودان و جزئیات مراسم و مجلس شَدّ، بر اساس فتوت‌نامه‌ها و کسب‌نامه‌ها (به‌ویژه فتوت‌نامه‌های پارسی که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آنها پرداخته شده) در این مقاله بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شَدّ، کمرستن، آیین‌های تشرّف، فتوت، اصناف.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۷.

۲. رایانامه: mehrabaniam@gmail.com

مقدمه

در فرهنگ و تمدن اسلامی و تاریخ اجتماعی مسلمانان، پیشه‌وران و بازاریان از گروه‌هایی بوده‌اند که آیین‌ها و باورهایشان، به دلیل ارتباط پیوسته آنان با اقشار مختلف، بر بسیاری از مؤلفه‌های پندار و رفتار مسلمانان، تأثیر داشته است. قابلیت رفع نیازهای روزمره، همواره کسبه و اهل بازار را محل رجوع خاصه و عامه می‌ساخته و اهل اصناف را در ارتباط دائم با آنان قرار می‌داده است. به دلیل همین ارتباط پیوسته، اخلاق در عمل به تعهدات و خویش‌کاری‌های صنفی، همواره بخشی از زندگی روزانه مردم را با مشکل مواجه می‌کرده است. از این رو، حکومت‌ها و نیز خود اصناف همواره برای پیش‌گیری از چنین مشکلاتی، تمهیداتی اندیشیده‌اند. تعیین چند و چون عضوگیری هر صنف، آموزش‌های بعدی مبتدیان، و نظارت بر کیفیت کار و اخلاق حرفه‌ای کسبه از جمله این تدابیر بوده‌اند. این اهداف، گاه در قالب شماری از آیین‌ها و مراسم برآورده می‌شدند. آیین «شدّه» نیز یکی از این آیین‌هاست که صنف از طریق آن بر شمار متقاضیان ورود به صنف نظارت می‌کرد، آنان را با اساتید و اعضای قبلی آشنا می‌ساخت، هنجارها و موازین شغلی و اصول اخلاق حرفه‌ای را به آنان می‌آموخت و همبستگی درونی بین اعضا را تقویت می‌کرد.

افزون بر پیشه‌وران، که به نوعی فتوت بازاری پای‌بند بوده و بسیاری از ساختارهای گروهی، آیین‌ها و اصول اخلاقی اهل فتوت را اقتباس کرده‌اند، خود فتیان نیز آیین شدّه داشته‌اند که به هنگام تشریف نوواردان برگزار می‌شده است. بعدها با تأثیر جریانهای فتوت و تصوف بر هم، برخی از باورهای هر یک به دیگری راه یافت. از جمله آن‌که برخی طریقت‌های صوفیه، به‌ویژه در حوزه عثمانی، آیین شدّه اهل فتوت را اخذ کرده‌اند.

عموم پژوهش‌های پیشین درباره چندوچون شدّه و مجلس شدّه نزد گروه‌های یادشده بر اساس منابع و فتوت‌نامه‌های عربی و ترکی، و بنابراین متوجه حوزه‌های رواج این زبانها بوده است. در این نوشته کوشش شده است جزئیات بیشتری از این آیین بر اساس فتوت‌نامه‌ها و کسب‌نامه‌های پارسی، که بسیاری از آنها در دهه اخیر به طبع رسیده‌اند، واکاوی شود.

لغت و تاریخ

یکی از معانی لغوی «شَدّ»، «بستن و استوار کردن» است.^۱ در معنای اصطلاحی – که ظاهراً در پیوند با این معنای لغوی است – شَدّ (ج: شُدود) به کمربندی اطلاق شده که فتیان، اهل اصناف و برخی از طریقت‌های صوفیه می‌بستند و توسعاً به مجلسی گفته شده که در آن تازه‌وارد با چنین کمربندی، با رسوم و آیین‌هایی نمادین، به نشانه ورود به جرگه جماعات یادشده میان بسته می‌شد.

در برخی فتوت‌نامه‌ها، گاه، این واژه به شکل «شَدّه» ضبط شده است.^۲ گاه نیز، به دلیل تشابه کاربری، دیگر واژگانی که در معنای کمربند کاربرد داشته‌اند (مانند خزام/ میحزم/ ربط المجزم یا ازار/ ایزار/ میزر) در معنای خاص اصطلاحی شَدّ استفاده شده‌اند.^۳ در مناطقی از آفریقا (مانند مراکش و مصر)، به پوشش‌هایی مانند عمامه، شال گردن، و کفش، که همگی به دور عضوی از بدن پیچیده و «بسته» می‌شوند نیز «شَدّ» اطلاق شده است.^۴ اهمیت شَدّ، نزد اهل فتوت و اصناف پیشه‌وران، به اندازه‌ای بوده است که این گروه‌ها، در موارد بسیار، خود را «اهل/اصحاب الشدّ» خوانده‌اند.^۵

به نظر می‌رسد که شَدّ بستن رسمی بوده است که از عیاران و فتیان به پیشه‌وران و اهل اصناف، که به گونه‌ای فتوت بازاری پای‌بند بوده‌اند، و طریقت‌هایی از متصوفه سرایت کرده است. نخستین گزارش‌ها و یادکردها از شَدّ و مجلس شَدّ مربوط به نوشته‌هایی از اهل فتوت است که در پی سیاست الناصرل‌دین الله، خلیفه عباسی (حک: ۵۷۵-۶۲۲ هـ) مبنی بر پذیرش و تبلیغ فتوت، نگاشته شده‌اند (ناصر خلیفه که خود با پوشیدن سروال فتیان جریان فتوت را شکل سازمانی داد، در تبلیغ سیاست حمایت از فتوت، نمایندگانی نزد سلاطین و امرا

۱. نک: ابن‌منظور، ۵۴/۷؛ دهخدا، ذیل «شَدّ».

۲. برای نمونه نک: کاشفی، ۱۲۶، ۲۹۱؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۲۰؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۱۷۲.

۳. نک: کاشفی، ۱۹۹؛ چهارده رساله، ۸۴؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۲۳۵؛ شیخلی، ۱۵۹؛ Cohen, 192, Massignon, 7/245: fn.

۴. نک: Dozy, 213-216؛ رجب عبدالجواد ابراهیم، ۲۵۸.

۵. برای نمونه نک: کاشفی، ۲۸۰؛ الفتوة فی طریق الشدّ، برگ ۱۲ چپ؛ چهارده رساله، ۲۱۵، ۲۶۱؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۱۳۷.

می‌فرستاد تا آنها را شدّ ببندند و سروال بپوشانند^۱؛ کتاب *الفتوة* ابن‌معمار بغدادی و *تحفة الوصایای احمد بن الیاس النقاش* از نخستین کتاب‌هایی‌اند که در راستای این سیاست به نگارش درآمده‌اند و در آنها به تفصیل از آداب و شعائر شدّ بستن سخن رفته است. صحبت از جزئیات مراسم شدّ در این نوشته‌ها^۲ دلیلی بر این نکته است که این مراسم در سده هفتم نزد اهل فتوت تثبیت شده بوده است. با این حال آغاز این مراسم، به شکل نهادین شده آن در دوره ناصر، نباید چندان از سده هفتم عقب‌تر رود؛ ظاهراً در منابع پیش از این دوره گزارش و یادکرد صریحی از مراسم شدّ در دست نیست.^۳

۱. برای نمونه نک: ابن‌اثیر، ۴۴۰/۱۲؛ ابوشامه مقدسی، ۶۹؛ ابن طقطقی، ۳۰۸؛ ذهبی، ۵۰/۴۲ و ۹۲/۴۵.
۲. برای نمونه نک: ابن‌معمار، ص ۲۰۷-۲۱۳.

۳. از کتاب *مرآة المروآت* علی بن حسن بن جعدویه، نویسنده سده پنجم، نسخه‌ای ضمن مجموعه شماره ۲۰۴۹ کتابخانه ایاصوفیه باقی مانده است. در این نسخه، پیش از دیباچه و صفحه بسمله، صفحه‌ای آمده است که در آن خطبه‌ای با عنوان «خطبة الشدّ و التکمیل» ذکر شده است. مضمون این خطبه مشابه مضامینی است که در فتوت‌نامه‌های سده هفتم آمده است. اینکه این خطبه در بخش مفتتح نسخه آمده است نیز احتمال این را زیاد می‌کند که صفحه شامل خطبه، بر ساخته و افزوده کاتبان باشد (تصویر پنج صفحه از این نسخه در صفحات ۱۱۶-۱۲۰ *مجله دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول* [شماره ۱-۴، ۱۹۴۹-۱۹۵۰] آمده است. گولپینارلی نیز، در همان مجله - صفحه ۱۰۳ - گفته است که صفحه این خطبه، به دلایلی - که ذکر نکرده - جزو کتاب ابن‌جعدویه نیست. درباره این نسخه نیز نک. شهنساری، ۳۶-۴۳. وی تصویر این صفحه خطبه را آورده - ۳۹ - و آن را به شکلی تحریف‌شده بازنویسی کرده است - ۳۸). به هر حال، صحت انتساب این خطبه به ابن‌جعدویه مورد تردید است و نمی‌توان آن را دلیلی بر وجود شدّ و تکمیل در سده پنجم گرفت.

ظاهراً شاهدهی حاکی از وجود و رواج آیین شدّ در سده‌های پیش از هفتم وجود ندارد. شواهدی نیز که گاه ذکر شده، واضح و قطعی نیست و حاصل بدخوانی‌ها و تعمیم‌های نادرست است. برای نمونه محمد رجب النجار (۱۵۳) به نقل از ابن‌اثیر حادثه‌ای را در سال ۵۳۲ ق. ذکر کرده است. وی فعل «یشدّ» (سخت گرفتن بر کسی) را در عبارت ابن‌اثیر به اشتباه «یشدّ» (شدّ بستن) خوانده و بنابراین تفسیر نادرستی از گزارش ابن‌اثیر داشته است. با تفسیر نادرست وی، تاریخ شدّ تا سال ۵۳۲ ق. به عقب بازمی‌گردد. قطعاً از عبارت ابن‌اثیر چنین برداشتی نمی‌شود (نک: ابن‌اثیر، ۶۳/۱۱؛ محمد رجب النجار، ۱۵۳). برای ترجمه پارسی عبارت ابن‌اثیر نک: ترجمه حالت از *الکامل*، ۳/۲۵/۳۱۳.

پیش از رواج آیین شده و نزد غیرمسلمانان نیز، آیین‌های تشریفی شبیه شده اصناف بی‌سابقه نبوده است، چنان‌که در بیزانس پیش از قرون وسطا، فردی که می‌خواست به اتحادیه‌ای شغلی بپیوندد می‌بایست موافقت عده‌ای از اعضای اتحادیه را در انجمنی که والی شهر در آن حضور داشت جلب کند.^۱

مجلس شده

مجلس شده به این گونه بوده است که «نقیب»ی به نمایندگی از شیخ و پیر فتوت یا صنف مربوط، مکان و زمان برگزاری مراسم را به آگاهی اساتید، اعضا و مشدودان قبلی می‌رساند.^۲ این مجلس ممکن بود در منزل تازه‌وارد، مکانی عمومی مانند مدرسه، رباط و مسجد، یا گردشگاه‌های حومه شهر برگزار شود.^۳ شده، بدون حضور نقیب و تنها با حضور شیخ صنف یا فتیان نیز جایز بود.^۴ جایز بود که فتیان مشدود برای دیگران شده ببندند و گویا نزد اهل فتوت حتی شده فرد غایب نیز جواز داشت.^۵ ظاهراً چنین تساهل‌هایی به هدف ترویج و تبلیغ فتوت بوده است و اگرچه نزد پیشه‌وران اصناف هم، گاه تسامحاتی در شرایط شده وجود داشت (برای نمونه شیخ آرایشگران می‌توانست برای متقاضیان دیگر حرفه‌ها نیز مجلس شده برگزار کند)، به دلیل آن‌که نزد ایشان چنین ترویج و تبلیغی لزوم نداشت، و هم به دلیل تأکید ایشان بر امر آموزش و مهارت متقاضیان حرفه (نفس وجود آیین شده نزد اصناف، چنان‌که گفته خواهد شد،

۱. نک: شیخلی، ۱۳۰. نیز نک. ۱۳۳ که گفته شده صنعتگر اروپایی قرون وسطا برای اثبات توانایی خود در اشتغال باید آزمایشی را می‌گذراند و در مهمانی‌ای به سایر اعضا ولیمه می‌داد.

۲. نک: کاشفی، ۱۳۱. گاه، شماری از دوستان شخص متقاضی نیز در مجلس حضور می‌یافتند (نک: Lane, 509).

این معمار شده پیشه‌وران را «شده الثقاف» خوانده و، به این ترتیب، آن‌را از شده فتیان جدا کرده است (نک: این معمار، ۱۲۷، ۱۵۱).

۳. نک: این معمار، ۲۳۳؛ کاشفی، ۹۷-۹۸؛ گولپینارلی، ۹۸؛ Lane, ibid.

۴. نک: این معمار، ۲۱۱؛ شیخلی، ۹۵. قس کاشفی، ۹۷-۹۸، ۱۳۲، ۱۳۹. کاشفی - همان‌جاها- از آنجا که حاضران مجلس را شاهدانی بر شده فرض کرده است، حضور دست کم دو نفر از آنها را، به عنوان دو شاهد بر شده متقاضی، در برگزاری مجلس واجب دانسته است.

۵. نک: این معمار، ۲۱۲، ۲۱۵.

۶. نک: شیخلی، ۹۵.

نمایانگر جنبه‌هایی از این تأکید است)، به نظر می‌رسد شدت اصناف با سختگیری بیشتری همراه بوده است.

مجلس شدت جزئیات شعائری بسیاری را شامل می‌شد که غالباً به شکل نمادین تفسیر می‌شدند. بسیاری از این جزئیات با ذکر پیشینه‌ای اسطوره‌ای همراه بود که علت انجام آنها را شرح می‌داد. خطبه، دعاها، نماز، اذکار و اشعاری در مجلس خوانده می‌شدند که غالباً متضمن پند و سفارشی اخلاقی بودند.^۱ در شدت اهل فتوت، افزون بر نقیب، که عمده بخش‌های مراسم را اجرا می‌کرد، «شیخ»، «پدر عهد» و «استاد شدت» نیز اجرای بخشی از آیین‌های مجلس را به عهده داشتند.^۲

نقیب، از قول تازه‌وارد، از حاضران درخواست می‌کرد از استادی که تازه‌وارد انتخاب کرده بود بخواهند که شدت بستن او را (که نشان از شاگردی او داشت) بپذیرد. سپس استاد شدت، با جزئیات آیینی بسیار، تازه‌وارد را کمر می‌بست. در شدت فتیان، بین تازه‌وارد (تربیه/خلف/وَلَد/فرزند) و «رفیق»ی دیگر از اهل فتوت، که در وظایف بعدی تازه‌وارد به او کمک می‌کرد، عقد اخوتی منعقد می‌شد. مجلس، شامل نوشیدن آیینی شربت «نمک‌آب» (در شدت اصناف مصر، در سده نوزدهم، قهوه صرف می‌شد) و صرف «حلوا»یی آیینی بود (در شدت اصناف، خوراک «ولیمه»ای برای حاضران آماده می‌شد).^۳ هزینه ولیمه شدت به عهده متقاضی (مشدود)

۱. اگرچه گاه آیات، ادعیه و اذکاری خوانده می‌شد که به نوعی مرتبط و مناسب مجلس بود (برای نمونه به آیه آخر از سوره آل عمران بسیار استناد می‌شد. ظاهراً یادکرد این آیه، افزون بر توصیه به صبر و همبستگی، به دلیل واژه «رابطوا» در آن بوده که با «ربط» و بستن شدت تناسب داشته است. برای نمونه‌هایی از یادکرد آیه (نک: کاشفی، ۱۳۷؛ چهارده رساله، ۲۱۶، ۲۸۶؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۱۳)، بسیاری از این عبارات نیز بی‌ربط می‌نماید. عموماً فتوت‌نامه‌ها و کسب‌نامه‌ها (به‌ویژه فتوت‌نامه‌های پس از دوره صفوی) آکنده‌اند از ذکر بی‌ربط آیات و عبارات عربی با غلط‌های نگارشی و دستوری فاحش که نشان از عوام بودن نویسندگان این نگاه‌ها دارد.

۲. برای نمونه نک: کاشفی، ۱۳۱-۱۳۸؛ چهارده رساله، ۲۱۶، ۲۶۰، ۲۶۳-۲۶۴؛ شیخلی، ۸۹، ۱۳۸.
 ۳. نک: ابن‌معمار، ۲۱۴، ۲۳۸ و جاهای دیگر؛ احمد بن الیاس، برگ 115a؛ کاشفی، ۹۷، ۹۸، ۱۳۷ و جاهای دیگر؛ چهارده رساله، ۲۶۵، ۲۸۵-۲۸۶؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۳۸؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۲۳۷-۲۳۸؛ شیخلی، ۸۹، ۹۳، ۱۳۹؛ گولپینارلی، ۳۱-۳۲؛ Algar, 9/167; Lane, ibid.

بود و گاه نقبا به مشدودان فقیر، در تهیه ولیمه شَدّ، کمک مالی می‌کردند.^۱ مشدود، در پایان مراسم، پول یا هدایایی به نقیب و شیخ تقدیم می‌کرد.^۲

جنس و شکل

جنس شَدّ، پشم و گاه چرم، پارچه، یا هر چیزی مانند بند می‌توانست باشد.^۳ جنس شَدّ هر گروه از فتیان و پیشه‌وران، متفاوت و غالباً متناسب با حرفه و وظیفه هر دسته بود، چنان‌که برای نمونه فتیان سیفی (سپاهی) شَدّ دوال می‌بستند که هم نرم بود و هم مقاوم، و غیرسپاهیان شَدّ صوف یا کرباس داشتند. کفشان نیز میان‌بندی چرمی - که متناسب با حرفه آنان بود- داشتند.^۴ اگرچه شَدّ ابریشمی را نیز از انواع شَدّ گفته‌اند^۵، از آنجا که جامه ابریشمی و زردوز حرام بود،^۶ بعید است که شَدّ ابریشمی - دست کم نزد همه اهل شَدّ- رایج بوده باشد. نیز شَدّ نبایستی به زنار شبیه می‌شد.^۷

۱. نک: شیخلی، ۸۹؛ Raymond, 9/168.

۲. نک: سی فتوت‌نامه دیگر، ۲۴۲؛ شیخلی، ۹۵؛ Lane, 510.

این پیشکش‌ها، گاه، تمتع مالی بسیاری برای نقبا به همراه داشت، چنان‌که یکی از آن‌ها هزار و پنجاه دینار، و هفتصد و سی قواره پارچه از اجرای آیین شَدّ گرد آورده بود (نک: شیخلی، همان‌جا).

۳. برای نمونه نک: ابن‌معمار، ۲۰۸؛ زرکوب، ۱۹۱؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۱۳۰، ۲۵۹. بعدها، به‌ویژه در حوزه عثمانی، برخی از اهل فتوت و اصناف به جای شَدّ، که غالباً پشمی بود، لُنگ -پشتمال- به کار برده‌اند. نک: گولپینارلی، ۸۶، ۹۷. در روایات و حکایاتی که از چگونگی شَدّ نخستین مشدودان در فتوت‌نامه‌ها آمده است، این مشدودان با شَدّهایی از جنس‌های مختلف و گاه مواد طبیعی میان بسته شده‌اند؛ برای نمونه، در این روایات آمده است که آدم(ع)، جبرئیل، پیامبر(ص) و علی(ع) با رشته تاک، ردا، مندیل، و بریده‌هایی از نطع ادیم شَدّ بسته شده‌اند (برای نمونه نک: کاشفی، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱؛ چهارده رساله، ۸۵-۸۶، ۲۸۳؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۵۷؛ فتوت‌نامه امیرالمؤمنین، ۳۸۳).

۴. نک: زرکوب، ۱۹۱، ۱۹۲؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۵۸. دلاکان نیز دوال چرمی بر کمر می‌بستند (نک: همان، ۹۷).

5. See Massignon, ibid.

۶. نک: کاشفی، ۲۳۷. نیز نک. ۱۷۰.

۷. نک: ابن‌معمار، همانجا؛ آملی، همانجا.

طول شد چنان بوده که چندین بار به دور کمر فرد پیچیده شود.^۱ شد، روی لباس مشدود بسته می‌شد.^۲ استاد شد، در جزئیاتی آیینی و گاه پیچیده (مثلا این‌که شد را پیش از کمر بستن با کدام دست و چگونه بردارد و حمل کند یا این‌که آن‌را چگونه و از کدام جهت به دور کمر فرد بپیچد)، شد را به دور کمر فرد می‌پیچاند و در سمت جلو گره می‌زد.^۳ تعداد گره‌های شد غالباً سه و گاه بیشتر بود.^۴ بسته به این‌که شد پیش از آن‌که بر کمر طالب بسته شود به چه شکل بر سجاده شیخ قرار می‌گرفت، و نیز بسته به این‌که پس از گره‌ها، دو سر شد چه شکلی نسبت به هم داشتند، شد نام‌ها و انواع مختلفی (مانند الفی، لام‌افی، سلمانی، محرابی و ...) می‌یافت. هر یک از این انواع، ویژه صنف/اصناف و گروه‌هایی مجزا بود، چنان‌که برای نمونه مداحان، شد الف و فراشان، شد سلمانی می‌بستند.^۵ در شد اهل فتوت، نقیب پیش از تکمیل، شد طالب را می‌گشود و پس می‌گرفت.^۶ نزد اهل اصناف نیز استاد پس از سه روز شد مشدود را باز می‌کرد.^۷

۱. مثلاً پنج تا هفت ذرع. نک. فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۷۸.

2. Lane, 509.

۳. نک: کاشفی، ۱۳۶؛ چهارده رساله، ۲۸۶؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۲۴؛ گولپینارلی، ۴۹.

۴. نک: سی فتوت‌نامه دیگر، ۵۹، ۲۵۰؛ کسب‌نامه نعلین‌دوزان، ۱۱۸۵/۲؛ الفتوة فی طریق الشدة، برگ ۱۳ راست؛ شیخلی، ۹۴؛ Lane, ibid. به گفته رایموند – Raymond, ibid – تعداد گره‌ها بنا به اساتید حاضر در مجلس تعیین می‌شد و هر گره معنایی نمادین داشت که شیخ یا یکی از دستیارانش آن‌را باز می‌کرد. در برخی از فتوت‌نامه‌ها آمده است که پیامبر(ص) نیز میان علی(ع) را به سه گره بسته بود (نک: کاشفی، ۱۲۱؛ فتوت‌نامه امیرالمؤمنین، ۳۸۷)؛ بعدها، به ویژه در ایران، برخی در اویش شد یا پالهنگ را، که در حکم شد بود، به هفت گره نیز می‌بستند (نک: چهارده رساله، ۲۸۲؛ Algar, 9/168).

۵. نک: چهارده رساله، ۲۸۶، متن و پانویس ۴؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۳۱، ۱۳۷؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۵۹، ۲۱۱. برای آگاهی از شرح و شکل شده‌های مختلف و تصاویری از آن‌ها که در برخی فتوت‌نامه‌ها آمده نک. کاشفی، ۱۰۶-۱۰۷؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۲۴۵-۲۴۸؛ گولپینارلی، ۵۱، ۴۸، ۷۱.

۶. نک: احمد بن الیاس، برگ 115a؛ ناصری، ۲۹.

۷. نک: کاشفی، ص ۹۹، ۱۳۷.

کارکردها

با اجرای آیین شَدّ، مشدود به عضویت آزمایشی گروه فتیان درمی‌آمد. پس از آن که شایستگی فرد احراز می‌شد، عضویت دائم با مراسم «تکمیل» (تکفیه/أبَس) صورت می‌پذیرفت که شاخصه آن گشودن شَدّ، پوشاندن سروال (سراویل/لباس الفتوة) یا اعطای سلاح به فرد تأیید صلاحیت‌شده (مکمل) بود.^۱ در فتوت بازاری اصناف، هرچند شاگرد و تازه‌وارد، مانند شَدّ اهل فتوت دوره‌ای را – که ممکن بود سال‌ها به طول انجامد – برای آزمایش و خدمت نزد استاد می‌گذرانده^۲، تأکیدی بر رسم تکمیل و پوشیدن سروال نشده است و به نظر می‌رسد نزد پیشه‌وران، شَدّ و کمر بستن دلالت‌های کارکردی آیین تکمیل فتیان را نیز دربرمی‌گرفته است (در برخی از فتوت‌نامه‌هایی که صیغه‌ای از فتوت اصناف دارند، واژه «تکمیل» به گونه‌ای از گره‌های شَدّ اطلاق شده.^۳ کاشانی نیز در *تحفة الإخوان*، که فتوت‌نامه‌ای با تمایلات صوفیانه است، «شَدّ» و «تکمیل» را یکی دانسته است^۴؛ ظاهراً نزد اصناف، دست کم در دوره‌هایی، یکی یکی از شروط شَدّ آن بوده است که شخص قبلاً به «عهد» دست یافته باشد. عهد عبارت بوده است از پروانه ورود شاگرد به سلک آن حرفه؛ پس از آن که نقیب و شیخ اطمینان می‌یافتند که شخص عهد را به دست آورده و شایسته استاد شدن است، آیین شَدّ وی اجرا می‌شده است.^۵

۱. نک: ابن‌معمار، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ احمد بن الیاس، برگ 114a؛ ناصری، ۲۲-۳۵؛ کاشانی، ۲۳۲؛ آملی، ۱۲۱/۲.

۲. نک: کاشفی، ۱۴۴؛ گولپینارلی، ۹۰.

۳. نک: کاشفی، ۱۰۹؛ *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساربه*، ۱۳۷.

۴. نک: کاشانی، ۹۹-۱۰۰، ۲۳۳-۲۳۲.

۵. نک: شیخلی، ۹۳-۹۶. به گفته رایموند – Raymond, ibid – آیین شَدّ نزد اصناف، هنگام ارتقا به مرحله استادی اجرا می‌شده است. به نظر او روشن نیست که این آیین هنگام ورود شاگرد به صنف نیز اجرا می‌شده باشد. وی احتمال داده است که این کارکرد، یعنی برگزاری شَدّ هنگام پیوستن نوآموزان به صنف، پیش‌تر رواج داشته و بعدها منسوخ شده است. هم‌چنین به اعتقاد وی ممکن است آیین شَدّ هنگام رسیدن به مرحله شیخی نیز برگزار می‌شده. لین نیز – Lane, ibid – گزارش کرده است که شَدّ پس از کسب مهارت متقاضی اجرا می‌شده است. بر اساس گزارش‌های موجود می‌توان گفت که آیین شَدّ نزد اصناف هنگام ارتقا به مرحله استادی یا کسب شایستگی برای گشودن دکان و اشتغال به حرفه برگزار می‌شده، هرچند که ممکن است به نشانه آغاز دوره کارآموزی و، مانند شَدّ اهل فتوت و تحت تأثیر آن، بعضاً هنگام ورود اعضا نیز اجرا شده باشد.

در بین پیشه‌وران، پس از پایان گرفتن آیین شد، نقیب برگه‌ای به خط و مهر خود به تازه‌وارد می‌داد که در آن تاریخ اجرای شد درج می‌شد. سپس، اجازه‌نامه‌ای، متضمن گزارش شیخی که شد شخص به نظارت او انجام گرفته و امضای قاضی، به مشدود داده می‌شد که پروانه اشتغال وی به شمار می‌رفت.^۱ به این ترتیب، صنف می‌توانست تعداد صنعتگرانی را که به آن حرفه می‌پیوستند تنظیم کند و نیز مطمئن شود که اعضای صنف از آموزش و تمرین کافی برخوردار می‌گردند. اساساً به نظر می‌رسد یکی از خویش‌کاری‌های اصلی رسم شد، همین نظارت کمی و کیفی بر ورود متقاضیان به صنف بوده باشد.^۲ با افزایش نظارت نهاد حاسبه بر اصناف، گاه حکومت این قدرت را داشت که شیوخ اصناف را تعیین و در امور مربوط به شد نیز دخالت کند.^۳ حکومت بر شد اهل فتوت نیز نظارت داشت؛ از خطبه و دعا‌های مجلس شد که در فتوت‌نامه‌ها — به ویژه فتوت‌نامه‌های نزدیک به دوره ناصری — ذکر شده و در آنها بر خلیفه، سلطان و والیان مسلمانان دعا شده^۴ نیز می‌توان برداشت کرد که شد فتیان، دست کم در ادوار اولیه‌اش، هم‌سو با سیاست‌های حکومت یا با تشویق و نظارت آن صورت می‌گرفته است. این نکته که مجلس شد ممکن بود در مکانهای عمومی و بی‌ممانعت و مزاحمت نهادهای حکومتی برگزار شود نیز شاهد دیگری بر این مطلب است.

گاهی مراسم شد نه برای ورود اعضا، بلکه برای ارشاد شخصی که راه فساد پیش گرفته بود، برپا می‌شد؛ چنان‌چه مشدود مرتکب گناه بزرگی می‌شد، شد او را می‌گشودند و اگر

۱. شیخی، ۹۴.

۲. گولپینارلی (ص ۹۰) درباره اصناف سده هفدهم حوزه عثمانی، که نزد آنان آیین ارتقا به مرحله استادی و اجازه دکان گشودن، با بستن لنگ صورت می‌گرفته، آورده است که در میان بعضی از اصناف این آیین هر پنج و شش سال، و نزد برخی صنوف (مانند جواهرسازان) هر بیست سال یک‌بار اجرا می‌شده است. به گفته او این قانون محدودکننده برای جلوگیری از ازدحام متقاضیان و هرج و مرج وضع شده است و احترام به تخصص را نشان می‌دهد.

۳. شیخی، ص ۱۲۰.

۴. برای نمونه نک: ابن‌معمار، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۷-۲۴۸؛ احمد بن الیاس، برگ 114b؛ نیز نک: شیخی،

آمزش می‌خواست، نقیب در مراسمی جدید شَدّ را اعاده می‌کرد.^۱ به این ترتیب، بزرگان صنف می‌توانستند با اعاده شَدّ خاطیان، اخلاق حرفه‌ای اعضا را نیز سامان دهند.

مشدودان

از آنجا که زنان نمی‌توانستند به عضویت گروه فتیان درآیند^۲، شَدّ بسته نمی‌شدند. فتوت کسی که عیبی جسمانی داشت – مثلاً بور یا سیاه‌پوست بود- و فتوت امرد، مبتدع و مشرک نیز صحیح دانسته نمی‌شد. شَدّ نابالغ، عید و فاسق (به امید توبه و اصلاح شخص)، اگرچه تکفیه نمی‌شدند، جایز بود.^۳ در شَدّ اهل ذمه نیز تردید وجود داشت؛ اگرچه بنا به نظری شَدّ آنان برای ترغیبشان به اسلام یا ترس از شرشان جایز بود، در نظری دیگر فتوتشان صحیح دانسته نمی‌شد.^۴ با این حال، به نظر نمی‌رسد در فتوت اصناف و نزد پیشه‌وران این شروط کاملاً رعایت شده باشد، چراکه نیاز به مهارت و تخصص در حرفه، گاه ورود کسانی را که واجد شروط گفته‌شده نبوده‌اند، به اصناف واجب می‌ساخته است؛ چنان‌که در سده نوزدهم، مسیحیان و یهودیان سوریه خود مراسم شَدّ داشته‌اند که در آن دعاهایی حاوی ده فرمان یا ادعیه‌ای مسیحی می‌خوانده‌اند.^۵ در کسب‌نامه‌های اصناف نیز، ضمن یادکرد استادان کمر بسته پیشین، گاه به نام‌هایی هم‌چون «شمعون» برمی‌خوریم که به‌احتمال نشان از شَدّ اهل ذمه در اصناف دارد.^۶

دیگر ملاحظات

در برخی از کسب‌نامه‌ها – به ویژه کسب‌نامه‌های پارسی- عناصر و مؤلفه‌هایی شیعی نیز در جزئیات مراسم شَدّ دیده می‌شوند که حاکی از ارتباط دیرین اصول فتیان با آموزه‌های شیعی

۱. نک: شیخلی، ۹۴-۹۵. نیز نک: پیوست شماره ۶، ۱۶۹-۱۷۰ که نقل سخنانی است که نقیب هنگام کمر بستن کمرگشودهای که مرتکب گناهی شده، می‌گوید.

۲. نک: ابن‌معمار، ۱۶۳، ۱۷۱؛ احمد بن‌الیاس، همان‌جا؛ چهارده رساله، ۹۰.

۳. احمد بن‌الیاس، همان‌جا.

۴. نک: ابن‌معمار، ۱۷۵.

5. Algar, 9/167, quoted from Taeschner.

۶. نک: سی فتوت‌نامه دیگر، ۶۸، ۹۹.

است. جز یادکردی که در بسیاری از فتوت‌نامه‌ها از خردادهای زندگی علی^(ع) و تمجید از وی، به عنوان مشدود پیامبر^(ص) و برادر ایشان در اخوت، شده است^۱، از امامان شیعه^(ع) و وقایع زندگی آنان، مانند حادثه کربلا نیز سخن رفته است.^۲ از همین روست که منیری بلگرادی، از علمای سنی مذهب ترک، در تعریض به اهل فتوت، شد^۳ را «طنطنه روافض» خوانده است.^۴ متصوفه - به‌ویژه قدمای آنها - غالباً، به جای شد^۵، بر خرقه و مراسم آن تأکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد برخی از جزئیات مراسم و شرایط شد^۶ تحت تأثیر آیین خرقه‌پوشانی صوفیه بوده است.^۷ اگرچه، نزد متقدمان، میان‌بسته بودن در مجلس متصوفه، نوعی بی‌احترامی به شمار می‌آمده^۸، آیین شد^۹ اهل فتوت، در دوره پس از فتوت سازمانی ناصری، و به‌ویژه در ادوار متأخر، متأخر، در برخی از طریقت‌های صوفیه و دراویش رواج یافته است. طریقت‌های مولویه، بکتاشیه، وفائیه، رفاعیه، سعیدیه، بدویه و خاکساریه در آسیای صغیر و ایران شد^{۱۰} یا چیزی شبیه به آن داشته‌اند. برای نمونه، در طریقه بکتاشیه، هنگام تشریف تاز‌ه‌وارد، بندی پشمی، موسوم به تیغ‌بند، با مراسم و جزئیاتی شبیه آیین شد^{۱۱} بر کمر تاز‌ه‌وارد بسته می‌شد.^{۱۲} خاکساریه و دراویش

۱. برای نمونه نک: ابن‌معمار، ۱۳۴، ۱۳۵ و جاهای دیگر؛ کاشفی، ۱۴۱، ۱۴۶ و جاهای دیگر. گاه، مشدود شدن علی^(ع) به دست پیامبر^(ص) در ضمن واقعه غدیر گنجانده شده. برای نمونه نک: کاشفی، ۱۲۱؛ فتوت‌نامه امیرالمؤمنین، ۳۸۶.
۲. برای نمونه نک: کاشفی، ۱۳۴؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۲۵۰؛ الفتوة فی طریق الشنت، ۱۷ راست. از دعاهایی که در مجلس شد^{۱۳} خوانده می‌شد، دعایی بود موسوم به «دوازده امام» که تکریم امامان شیعه^(ع) را در برمی‌گرفت (برای نمونه نک: چهارده رساله، ۲۹۱؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۵۹، ۲۵۱).
۳. نک: گولپینارلی، ۶۵. نیز درباره عناصر شیعی فتوت‌نامه‌ها نک: همان، ۵۷؛ Massignon, ibid که در آن برخی از عناصر آیین شد^{۱۴} بر ساخته غلات شیعه دانسته شده است.
۴. نک: ابن‌معمار، ص ۲۱۳؛ Massignon, ibid.
۵. نک: کیکاووس بن اسکندر، ۲۵۴. میرسید علی همدانی، در فتوت‌نامه صوفیانه‌اش، آنجا که از خلعت فتوت یاد کرده آن‌را تنها شامل کلاه و سراویل دانسته است. نک: میرسید علی، ۱۵۴. در فتوت‌نامه او هیچ ذکری از شد^{۱۵} و آیین آن نیست.
۶. نک: گولپینارلی، ۶۶-۶۸، ۷۰-۷۱، ۸۵ پانویس، ۸۶؛ Algar, 9/167-168.

دراویش ایران نیز میان‌بندهای مختلفی مانند پالهنک، مَرَس، الف نمد، رشته/سررشته، یک‌بند و ... داشته‌اند که مانند یا در حکم شَدّ اهل فتوت بوده است.^۱

در ریشه‌یابی شَدّ برخی، به شباهت‌های آن و کُستی زردشتیان اشاره کرده و گاه آن‌را متأثر از این سنت زردشتی دانسته‌اند.^۲ با این حال، تفاوت‌های این دو آیین نیز کم نیست^۳ و نباید به دلیل صرف وجود شباهت‌ها، یکی را متأثر از دیگری دانست (ضمن آن‌که کاربرد ریسمان یا طناب در آیین‌های گذار سنت‌ها و ادیان دیگر نیز وجود داشته است و نمی‌توان همه آنها را، تنها به دلیل وجود شباهت، متأثر از هم دانست).

تشریفات شَدّ، در دوران اخیر نیز در برخی از طریقت‌های صوفیه (مانند رفاعیه و بکتاشیه) برگزار می‌شده است.^۴ در مصر جدید، در گروه فتوت‌مآب موسوم به «جدعان» نیز، اشخاص تحت قیادت پیشوای جماعت، «مشادید» خوانده می‌شدند که به‌احتمال نشان از حضور شَدّ بین بازماندگان جماعات اهل فتوت در دوران جدید دارد.^۵ شاید رواج اصطلاح کنایی «کمر بستن» در پارسی (و معادل ترکی آن: «بَل باغلامک»^۶)، به معنای «خدمت و عزم» نیز بی‌تأثیر از آیین شَدّ نبوده باشد.

۱. نک: چهارده رساله، ۱۲۶-۱۲۷، ۲۷۸، ۲۸۲؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۱۳۱ متن و پانویس ۱، ۱۴۶، ۱۴۸؛ سی فتوت‌نامه دیگر، ۵۹ پانویس ۴، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۲۱۲-۲۱۳. نیز نک: چهارده رساله، ۲۷۸ متن و پانویس ۴ که در آن، برای توجیه کاربرد پالهنک، به حکایتی استناد شده که اهل فتوت برای شَدّ ذکر کرده‌اند.

۲. نک: محجوب، مقدمه فتوت‌نامه سلطانی، نود و هشت، نود و نه؛ گولپینارلی، ۷۵، ۸۳، ۸۴. نیز نک: ۷۳ که در آن گولپینارلی بر آن است که پیش‌بینی که ماسون‌ها می‌بسته‌اند، شباهتی تام به شَدّ دارد. به گفته الگار (9/168) شباهت رسوم تشریف برخی صوفیان ترک با آیین‌های تشریف ماسون‌ها ممکن است این صوفیه را مستعد پذیرش فراماسونری کرده باشد.

3. Zakeri, 14/594; Algar, 9/166-167.

4. Massignon, ibid.

۵. احمد امین، ۱۳۴.

۶. نک: گولپینارلی، ۱۰۰.

نتیجه

چنان‌که گفته شد تاریخ رواج آیین شد، نباید چندان از سده هفتم و دوره خلیفه الناصر عباسی پیش‌تر رود؛ نخستین گزارش‌ها از این آیین در فتوت‌نامه‌هایی ذکر شده که به حمایت این خلیفه و برای ترویج فتوت سازمانی او نوشته شده‌اند. بر پایه این نوشته‌ها شد، آیینی بوده است که هنگام تشرف تازه‌واردان برگزار می‌شده است. به تدریج با نفوذ و رواج جریان فتوت بین پیشه‌وران و اهل بازار، اصناف، این آیین تشرف را به‌کار گرفته‌اند. مجلس شد اصناف، متقاضی را متعهد به اصول اخلاقی و حرفه‌ای صنف می‌ساخت و وی را با اعضا و استادان پیشین آشنا می‌کرد. شد متقاضی به نوعی پروانه کسب وی به شمار می‌آمد و با برگزاری آیین شد عضویت وی در صنف رسماً تأیید می‌شد. معمولاً جنس، شکل، و جزئیات شد هر صنف متفاوت از شد دیگر صنوف و به نوعی بیانگر هویت صنفی مشدود بود. شد متقاضی، نشانی از کمر بستگی و تعهد اخلاقی و حرفه‌ای وی به صنف محسوب می‌شد و در صورت تخطی از موازین، ممکن بود به نشانه رد عضویت در صنف باطل شود. به این ترتیب، به واسطه این مراسم، بر کمیت و کیفیت آموزش اعضا نظارت می‌شد. با تضعیف ساختارهای صنفی و شغلی سنتی، آیین شد نزد اصناف نیز به تدریج زوال یافت. با این حال، این آیین هنوز نزد برخی سلسله‌های متصوفه که از آیین‌ها و باورهای اهل فتوت تأثیر پذیرفته‌اند، برگزار می‌شود.

کتابشناسی

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر-دار بیروت، ۱۳۸۵هـ/۱۹۶۵.
- همو، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، به کوشش عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دار القلم العربی، ط. الاولى، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷.
- ابن معمار، ابوعبدالله محمد بن ابو المکارم، *کتاب الفتوة*، به کوشش مصطفی جواد و دیگران، بغداد، مکتبه المثنی، ط. الاولى، ۱۹۵۸.
- ابن منظور، جمال‌الدین ابوالفضل، *لسان العرب*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار إحياء التراث العربی-مؤسسه التاریخ العربی، ط. الثانية، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲.

- ابوشامه مقدسی، شهاب‌الدین ابومحمد، *تراجم رجال القرنين السادس و السابع، المعروف بالذیل علی الروضتین*، به کوشش محمد زاهد کوثری، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۴.
- احمد امین، *قاموس العادات و التقالید و التعابیر المصریة*، قاهره، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ط. الاولي، ۱۹۵۳.
- احمد بن الیاس النقاش الخرتبورتی، *تحفة الوصایا*، عکس نسخه خطی این کتاب، که بخشی است از مجموعه شماره ۲۰۴۹ در کتابخانه ایاصوفیه استانبول، در صفحات ۱۳۱-۱۲۱ از مجله دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول (ج ۱۱، شماره ۱-۴، ۱۹۴۹-۱۹۵۰) آمده است.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود، *نفایس الفنون فی عرایس العیون*، به کوشش سید ابراهیم میانجی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۹ هـ.
- چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*، به کوشش مهران افشاری-مهدی مداینی، تهران، چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، به کوشش محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷ ش.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام* (حوادث و وفیات ۵۹۱-۶۰۰)، به کوشش عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۹۷/۵۱۴۱۷.
- رجب عبدالجواد ابراهیم، *المعجم العربی لأسماء الملابس*، قاهره، دار الافاق العربیة، ۲۰۰۲/۵۱۴۲۳.
- زرکوب، نجم‌الدین، «فتوت‌نامه»، در *رسایل جوانمردان*، مشتمل بر هفت *فتوت‌نامه*، به کوشش مرتضی صراف، تهران، معین، ۱۳۷۰ ش.
- سی فتوت‌نامه دیگر، سی رساله ناشناخته در فتوت و پیشه‌وری و قلندری*، به کوشش مهران افشاری، تهران، چشمه، چاپ نخست، ۱۳۹۱ ش.
- شهسواری، مجتبی، «مرآة المروآت ابن جعدویه، فتوت‌نامه‌ای پیشکش شده به خواجه نظام‌الملک طوسی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال پنجم، شماره ۶، شهریور ۱۳۸۹ ش.
- شیخلی، صباح ابراهیم سعید، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
- الفتوة فی طریق الشدّ و العهد*، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه ملک سعود به شماره ۱۸۴۹.
- فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)*، به کوشش مهران افشاری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، ۱۳۸۲ ش.
- «فتوت‌نامه امیرالمؤمنین»، در *جشن‌نامه محمد پروین گنابادی*، تهران، طوس، ۱۳۵۴ ش.

- کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق، *تحفة الإخوان فی خصائص الفتیان*، به کوشش محمد دامادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ ش.
- کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ، *فتوت‌نامه سلطانی*، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ نخست، ۱۳۵۰ ش.
- «کسب‌نامه نعلین‌دوزان»، به کوشش محمد جعفر محبوب، در *ادبیات عامیانه ایران*، تهران، چشمه، چاپ نخست، ۱۳۸۲ ش.
- کیکاؤوس بن اسکندر، *عنصرالمعالی، قابوس‌نامه*، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش.
- محمد رجب النجار، *حکایات الشطار و العیارین فی التراث العربی*، کویت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الآداب، ط. الثانية، ۱۹۸۹.
- میرسید علی همدانی، «رساله فتوتیه»، به کوشش محمد ریاض، در *فتوت‌نامه، تاریخ، آیین، آداب و رسوم*، تهران، اساطیر، چاپ نخست، ۱۳۸۲ ش.
- ناصری، *فتوت‌نامه مولانا ناصری*، به کوشش فرانتس تشنر، لایپزیگ، ۱۹۴۴.

Algar, Hamid, «Shadd (In Futuwwa and in Sufism)», *Enc. Of Islam*, New Edition, Leiden-London: Brill-Luzac & Co., 1986.

Cohen, Amnon, *The Guilds of Ottoman Jerusalem*, Leiden: Brill, 2001.

Dozy, Reinhardt, *Dictionnaire Detaille Des Noms Des Vetements Chez les Arabes*; Beirut: Maktaba Lubnan, (reprint of 1845 edition).

Golpinarli, Abdalbaki, *Islam ve Turk Illerinde Futuvvet Teskilati ve Kaynaklari*, Iktisat Fakultesi Mecmuasi, No. 1-4, Ekim 1949-Temmuz 1950.

Lane, Edward William, *An Account of the manner and Customs of the Modern Egyptians Writhen in Egypt during the Years 1833-1835*, London: Darf Pub., 1986.

Massignon, Louis, «SHADD», *E. J. Brill's First Encyclopedia of Islam 1913-1936*, ed. By M. TH. Houtsma and others, Leiden: Brill, 1987.

Raymond, A, «Shadd (In the trade guilds)», *Enc. Of Islam*, New Edition, Leiden-London: Brill-Luzac & Co., 1986.

Zakeri, Mohsen, «JAVANMARDI», *Enc. Iranica*, ed. Ehsan Yarshater, London & New York: Routledge & Kegan Paul, 1990.